

110

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحدہ

Case 112

پرونده شماره 112

شعبه یک

حکم شماره 75-112-1

Award 75-112-1

English version
 Filed on 5 SEP 83
 نسخه انگلیسی در نامه ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
 دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
 ثبت شد - FILED
 Date 11 MAR 1985 تاریخ
 1363 / 12 / 20
 No. 112 شماره

کانتیننتال گرین اکسپورت کورپوریشن ،
خواهان ،

- و -

شرکت بازرگانی دولتی ،
شرکت معاملات خارجی ،

وزارت جنگ - شرکت سهامی اتکا با مسئولیت محدود ،
اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران ،
خوانندگان .

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

حکم راجع به قسمتی از دعوی

PARTIAL AWARD

مقدمه

ادعای کانتیننتال گرین اکسپورت کوریوریشن ("خواهان") در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبانماه ۱۳۶۰) در دیوان به ثبت رسید. خواهان طالب خساراتی بابت نقض ادعایی چهار قرارداد جهت فروش گندم و برنج است، که به ترتیب با شرکت بازرگانی دولتی، شرکت معاملات خارجی، وزارت جنگ - شرکت سهامی اتکا با مسئولیت محدود و اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران، یعنی چهار خواننده پرونده حاضر، منعقد گردیده است.

سه خواننده اول در دفاعیه های خود اظهار کرده اند که ادعاهای مطروحه علیه آنها از حیث صلاحیت دیوان دآوری خارج است، زیرا قراردادهای مبنای آنها متضمن صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران است. خوانندگان یاد شده، هر یک به مفاد بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی استناد می کنند که "ادعاهای ناشی از قرارداد تعهدآور فیما بین که در آن قراردادها مشخصاً "رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران، در پاسخ به موضع مجلس باشد،" را از صلاحیت دیوان دآوری خارج کرده است.

خواهان در جوابیه ثبت مورخ ۷ ژانویه ۱۹۸۳ (۱۷ دیماه ۱۳۶۰) خود به لوایح دفاعیه، این موضوع را مورد بحث قرار داد. به دعوت دیوان، هر یک از خوانندگان اظهارنظرهای بیشتری راجع به موضوع صلاحیت در تاریخ اول اوت ۱۹۸۳ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۶۲) به ثبت رساند.

دیوان طی دستور مورخ ۴ مارس ۱۹۸۳ (۱۳ اسفند ۱۳۶۱) خود اعلام داشت که قصد دارد بر اساس مدارک تسلیمی، در خصوص موضوع صلاحیت اتخاذ تصمیم نماید.

۱ - ادعاهای مطروحه علیه شرکت بازرگانی دولتی و شرکت معاملات خارجی

ادعاهای مطروحه علیه دو خواننده اول مبتنی بر واقعیات مشابه بوده و موضوعات همانندی را مطرح می سازند. شرکت بازرگانی دولتی، اصالتاً " از جانب خود و به جانشینی شرکت معاملات خارجی لایحه دفاعیه واحدی را به ثبت رسانده است .

(یک) قرارداد شرکت معاملات خارجی

در مه ۱۹۷۸، خواهان و شرکت معاملات خارجی قراردادی را برای فروش مقداری گندم منعقد ساختند. قرارداد با مبادله سه تلکس به شرح زیر منعقد شد:

(الف) - تلکس مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) از جانب شرکت معاملات خارجی به خواهان مبنی بر ارسال ایجابها و تعیین شرایط استاندارد خرید.

(ب) - تلکس مورخ ۱۹ مه ۱۹۷۸ (۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۷) از جانب خواهان به شرکت معاملات خارجی حاوی ایجاب .

(ج) - تلکس مورخ ۲۲ مه ۱۹۷۸ (اول خرداد ۱۳۵۷) از جانب شرکت معاملات خارجی به خواهان مبنی بر تأیید قبول ایجاب و نیز "هر مطلب دیگری که در فوق و در ایجاب مورخ ۱۹ مه ۱۹۷۸، طبق آگهی مناقصه شماره ۴۹۴۶ مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ مشخصاً ذکر نشده است" .

قرارداد، از جمله، مقرر می داشت که خریدار در صورت عدم ثبت آگهی آمادگی کشتی خود جهت بارگیری گندم ظرف مهلتی که برای تحویل معین شده، مسئول پرداخت هزینه های حمل خواهد بود. خواهان مدعی است که هزینه هائی متحمل شده و بازپرداخت این هزینه ها و بهره مربوطه را مطالبه می کند.

شرکت بازرگانی دولتی طی دفاعیه خود، در رابطه با ادعای مطروحه علیه شرکت معاملات خارجی به شرط مربوط به حل اختلافات، در تلکس مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۸ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) اشاره کرده که به شرح زیر است :

"اختلافات و حل و فصل آنها"

اختلافات احتمالی نهایتاً " و منحصرأ " باید در دادگاههای ایران حل و فصل شوند. در صورت انعقاد قرارداد، لازمست یکی از مسئولین ارشد شما جهت امضاء و تسلیم سوگند نامه مورد نظر دولت ایران به تهران سفر کند. این مسئول باید دارای اختیارات تام جهت اقدام از جانب شما باشد."

شرکت بازرگانی دولتی استدلال می کند که قید مزبور مشمول استثنای ذیل بند ۱، ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی می باشد و لذا ادعا بایستی به دلیل عدم صلاحیت رد شود. ادعای متقابل شرکت بازرگانی دولتی که طی آن وی براساس همان قرارداد، طالب خسارات از خواهان جهت تأخیر در بارگیری شده، بشرط تشخیص دیوان مبنی بر دارا بودن صلاحیت، به طور ضمنی ثبت شده است.

(دو) قرارداد شرکت بازرگانی دولتی

در اوت ۱۹۷۸، خواهان قراردادی برای فروش گندم با شرکت بازرگانی دولتی منعقد ساخت. مدرک قرارداد عبارتست از مبادله سه تلکس مشابه که شرایط اصلی آن همانست که در قرارداد شرکت معاملات خارجی آمده است. قید مربوط به حل اختلافات در اینمورد صرفاً " مقرر می دارد.

"اختلافات احتمالی باید نهایتاً " و منحصرأ " در دادگاههای ایران ایران حل و فصل شود".

ادعا علیه شرکت بازرگانی دولتی، بابت پرداخت هزینه های متحمل به علت عدم آمادگی بارگیری ظرف مدت مصرحه توسط کشتی خریدار، با اضافه بهره، می باشد. در اینجا نیز شرکت بازرگانی دولتی اظهار می دارد که ادعا به موجب قید انتخاب دادگاه از صلاحیت دیوان خارج است. ادعای متقابل وی برای خسارات ناشی از تأخیر در بارگیری که حسب الادعا خواهان سبب شده نیز، بهمین نحو باید منوط به تشخیص دیوان مبنی بر دارا بودن صلاحیت باشد.

خواهان در رابطه با هر دو ادعای فوق، استدلال می کند که این قیود را نباید به زیان خواهان تعبیر و تفسیر کرد، زیرا طرفین قراردادهای از قدرت چانه زدن برابر برخوردار نبوده اند، و اینکه قیود انتخاب دادگاه لازم الاجرا نبوده زیرا تحولات انقلابی در ایران تصویری را که طرفین بهنگام امضای قراردادها از نظام قضائی داشتند از اساس دگرگون ساخته است.

در تاریخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) دیوان عمومی قرارهای اعدادی درخصوص صلاحیت در نه پرونده نمونه، شامل قراردادهای منتخب حاوی قیود مختلف در مورد انتخاب دادگاه صالح، صادر نمود. عبارت مربوط در دو قید مندرج در قرارداد که اکنون در دست رسیدگی است، مشابه همانهایی است که توسط دیوان عمومی در پرونده جورج دبلیو. دراکر جونیور و شرکت معاملات خارجی، و سایرین (قرار اعدای شماره ۱۲۱-۴ دیوان عمومی بخش سوم (۲) "پیشنهاد فروش سیمان") مورد رسیدگی قرار گرفته است. در آن مورد، دیوان عمومی چنین نظر داد که عبارت قرار داد به روشنی اختلافات فیما بین طرفین را به دادگاههای ایران ارجاع نموده، و بالنتیجه شرط استثنای بیانیه حل و فصل دعاوی دایر بر عدم شمول صلاحیت دیوان نسبت به ادعا را - در صورتیکه ادعا ناشی از قرارداد فیما بین طرفین بوده و در آن قرارداد "مشخصاً" اختلافات ناشیه منحصرأ در صلاحیت دادگاههای صالحه ایران قرار داده شده باشد" - تحقق بخشیده است.

این شعبه دلیلی نمی بیند که در رابطه با نحوه بیان قیود مزبور در قراردادهای حاضر نتیجه گیری متفاوتی بنماید.

شعبه بر این نظر است که ادعای خواهان در رابطه با قدرت چانه زدن نا برابر، خیلی ضعیفتر از دلیلی که برای بطلان قیود انتخاب مرجع رسیدگی لازم می باشد ارائه شده است.

در رابطه با اظهار خواهان راجع به تغییر اوضاع و احوال در ایران، این مطلب نیز در رأی صادره دیوان عمومی طی حکم مربوط به پرونده جورج دبلیو دراکرجونیور (قسمت دوم، "قرارداد برنج") مورد رسیدگی واقع شده است.

۲ - ادعا علیه وزارت جنگ - شرکت سهامی اتکا با مسئولیت محدود (اتکا)

اتکا در تاریخ ۸ مه ۱۹۷۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷) دو قرارداد جهت خرید مقادیری برنج با خواهان منعقد ساخت. خواهان اکنون طالب خسارات ناشی از تأخیر در تخلیه بار از کشتی در بنادر ایران، و بهره متعلقه است.

ماده ۱۴ هر یک از قراردادها مقرر می دارد:

"هر اختلافی که به نحو دوستانه حل و فصل نشود به مراجع قانونی ایران ارجاع خواهد شد".

اتکا اظهار می دارد که، بر اساس این ماده صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران، "بدیهی و غیر قابل بحث" است. ادعای متقابل وی در رابطه با تفاوت مقادیر تحویلی، با مقادیر سفارش شده، اضافه پرداختها و خسارات بابت شته زدگی، صریحاً "منوط و موکول به تشخیص دیوان مبنی بر دارا بودن صلاحیت، شده است.

در حکم مربوط به جورج دبلیو. دراگر جونیور، دیوان عمومی با قید تقریباً " واحدی مواجه بود (قسمت دوم به "قرارداد برنج") ، که مقرر می دارد اختلافات ، "از طریق رجوع به مراجع قانونی ایران حل و فصل خواهد شد".

نتیجه گیری دیوان عمومی در رابطه با قید مزبور به شرح زیر است :

"می توان فرض کرد که هنگامی که طرفین قرارداد اختلافاتی را جهت حل و فصل به "مراجع قانونی" ارجاع می نمایند، منظورشان از این بیان (مراجع قانونی) دستگاها و مراجع موجود در بطن نظام قانونی برای حل و فصل اختلافات تجاری است . بنا براین در مضمون حاضر اصطلاح "مراجع" نمی تواند چنان مصداق وسیعی داشته باشد که دستگاهاهی دولتی یا دستگاهاهی رسمی دیگر یا مؤسساتی را که عهده دار حل و فصل اختلافات نیستند در برگیرد. بعلاوه ، استنباط حل و فصل اختلافات از طریق داورى ، از ماده ۴ صحیح نیست ، زیرا که چنان تعبیری با کلمه "مراجع" که دال بر دستگاهی است با مقام و موقعیت منبعت از دولت وفق نمی دهد . با توجه به این امر ، دیوان داورى عقیده دارد که از "مراجع قانونی" باید همان معنای "دادگاه" را که هم شامل دادگاهاهی اداری و هم محاکم حقوقی است ، مستفاد نمود ،

این شعبه دلیلی در دست ندارد که در رابطه با عبارت متن قرارداد حاضر به نتیجه گیری متفاوتی برسد .

۳ - ادعا علیه اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران

ادعا بابت هزینههای متحمله در رابطه با تأخیر در تحویل گرفتن محموله برنج از قرارداد مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۵ خرداد ۱۳۵۷) ناشی گردیده . ماده ۱۱ شرایط کلی قرارداد مقرر می دارد ،

"قرارداد حاضر تابع قانون ایالات نیویورک آمریکا ، میباشد .

بعلاوه قرارداد حاوی شرط داوری، طبق مقررات داوری غله کانون داوری آمریکا می باشد .

در اینمورد که ادعای حاضر مشمول استثنای ذیل بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است ، بحثی نمی تواند باشد .

این موضوع که آیا اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرفکارگران ایران موسسه یساز تشکیلات دولت ایران یا واحد تحت کنترل آن دولت یا تقسیمات سیاسی آن بوده ، و بنا براین میتوان علیه وی در این دیوان اقامه دعوی نمود ، بعدا مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

نتیجه گیری

دیوان داوری بر این نظر است که نسبت به ادعاهای مطروحه علیه شرکت بازرگانی دولتی، شرکت معاملات خارجی و وزارت جنگ - شرکت سهامی اتکا ، با مسئولیت محدود، صلاحیت ندارد .

بر همین اساس دیوان ادعاهای مطروحه علیه این سه خواننده و ادعاهای متقابل ثبت شده توسط آنها را ، رد می کند .

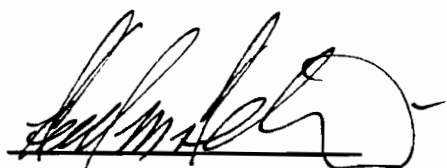
بدینوسیله مقرر می دارد که خوانندگان شرکت بازرگانی دولتی ، شرکت معاملات خارجی و وزارت جنگ - شرکت سهامی اتکا با مسئولیت محدود از جریان داوری حذف

شوند. جریان رسیدگی به ادعای علیه خواننده آخر، یعنی اتحادیه مرکزی تعاونیهای
مصرف کارگران ایران ادامه خواهد یافت .

لاهی، به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۸۳ برابر با ۱۴ شهریور ۱۳۶۲



(۱۳ اسفند ۱۳۶۳) گونا ر لاکرگرن



(۱۳ اسفند ۱۳۶۳) هوار دام. هولتزمین

نظر موافق

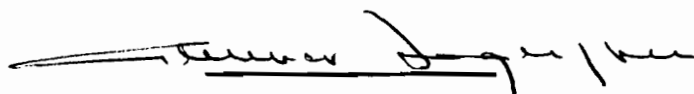
محمود کاشانی

نظر موافق

عبارت زیر به استناد بند ۳ ماده ۳۲ قواعد دیوان درج می‌گردد

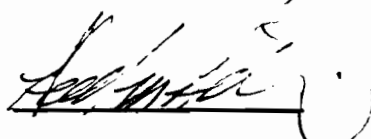
به منظور تسهیل کار کلیه اطراف دعوی، قبل از آنکه متن فارسی حکم جزئی حاضر تکمیل
گردد، متن انگلیسی آن ثبت و به موقع اجرا گذاشته شد. دکتر کاشانی که متن انگلیسی
حکم را امضاء کرده و نظر موافقی در آن باره به ثبت رسانده بود، در موقع امضای متن
فارسی آن توسط دو داور دیگر، عضویت دیوان را نداشت .

بتاریخ ۴ مارس ۱۹۸۵ برابر با ۱۳ اسفند ماه ۱۳۶۳



گونا ر لاکرگرن

رئیس شعبه یک



هوار دام. هولتزمین